



دعاهای رمضان

دُعَاءُ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ

دُعای ابو حمزه ثمالی

سحرهای ماه مبارک رمضان – روایت امام زین العابدین (ع)، مصباح المتهجد، شیخ طوسی

حسینیہ کاشانیفرید

تهران، شریعتی، ظفر، پ ۸۸

hosseiniyeh-kashanifarid.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ، وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ،

خدایا! مرا به کیفرت ادب نکن و با من نیرنگ به کار نبر

مَنْ آيِنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ،

پروردگارا، از کجا برایم خیری هست، جز نزد تو نیست

وَمَنْ آيِنَ لِي النِّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ،

و از کجا برایم نجاتی، جز به تو فراهم نمی‌شود

لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَغْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ،

نه آن‌که نیکی کرد از کمک و رحمت بی‌نیاز شد

وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ

و نه آن‌که بدی کرد و بر تو گستاخی کرد و خشنودت نساخت

قُدْرَتِكَ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ.

از قدرتت بیرون رفت؛ پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا

بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ،

تو را به تو شناختم و تو مرا بر خودت راهنمایی کردی و خواندی

وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ.

و اگر راهنمایی تو نبود، نمی دانستم تو که هستی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَاطِلًا

خدا را سپاس که می خوانم و او پاسخم را می دهد، گرچه من

حِينَ يَدْعُونِي،

سستی می کنم هنگامی که او مرا می خواند

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا

و خدا را سپاس که از او می خواهم و او عطا می کند، گرچه من

حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي،

بخل می ورزم هنگامی که از من قرض بخواهد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي وَأَخْلُو

و خدا را سپاس که هرگاه بخوام برای حاجتم صدایش کنم و خلوت

بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي.

می‌کنم بی‌پرده و او حاجتم را برآورد

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ

خدا را سپاس که غیر او را نمی‌خوانم؛ اگر می‌خواندم

لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي،

دعایم را اجابت نمی‌کرد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ

و خدا را سپاس که به غیر او امید نمی‌بندم؛ اگر می‌بستم

لَأَخْلَفَ رَجَائِي،

ناامیدم می‌کرد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَّلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ

و خدا را سپاس که مرا به خودش وا گذاشت، از این رو به من

يَكِلُنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهِنُونِي،

رأفت کرد و به مردم وانهاد تا خوارم کنند

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَحَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي،

و خدا را سپاس که با من دوستی ورزید، درحالی که از من بی نیاز است

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي،

و خدا را سپاس که بر من بردباری می کند تا گویی مرا گناهی نیست

فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي.

پروردگارم ستوده ترین موجود نزد من و سزاوارترین به ستایش من است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً،

خدایا! راه های درخواست حاجت هایم را به جانب تو باز می یابم

وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتَرَعَّةً،

و آبشخورهای امید را نزد تو پر می بینم

وَالِاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمْلَكَ مُبَاحَةً،

و یاری خواستن از احسانت را برای آرزومندت بی مانع می بینم

وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً،

و درهای دعا را برای فریادکنندگان گشوده می نگرم

وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِينَ بِمَوْضِعٍ إِجَابَةٍ،

و می دانم که تو برای امیدواران جایگاه اجابتی

وَلِلْمَلْهُوفِينَ بِمَرْصَدٍ إِغَاثَةٍ،

و برای دل سوختگان کمینگاه فریادرسی

وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عِوَضًا مِنْ

و به یقین در اشتیاق به جودت و خشنودی به قضایت جایگزینی از

مَنْعَ الْبَاخِلِينَ، وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأَثِّرِينَ،

منع بخیلان است، و از آنچه ثروت اندوزان دارند بی نیازی است

وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ،

و مسافر به سویت مسافتش نزدیک است

وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجِبَهُمْ

و تو از آفریدگانت هرگز در پرده نیستی، جز اینکه کردارشان

الْأَعْمَالُ دُونَكَ.

آنان را از تو در پرده برده

وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلْبَتِي، وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي،

من با درخواستم آهنگ تو کردم و با حاجتم روی به تو آوردم

وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي،

نیازخواهی ام را به پیشگاه تو قرار دادم

وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي مَنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي،

و خواندنت را دست‌آویز خویش کردم، بی‌آنکه سزاوار شنیدنم باشی

وَلَا اسْتِجَابَ لِعَفْوِكَ عَنِّي، بَلْ لَثَقَتِي بِكَرَمِكَ،

یا سزاوار گذشت از من، بلکه برای اطمینان به بزرگواریات

وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ،

و آرامش به درستی وعدهات

وَلَجَّئِي إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ وَبِقِيَمِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي

و پناه‌جستن به ایمان به یگانگیات و یقین به معرفت

أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ،

که مرا پروردگاری جز تو نیست

وَلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ.

و معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌شریک

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ،

خدایا! تو گفتی و گفتارت حق و وعدهات درست است

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

«از خدا درخواست کنید؛ که خدا همواره مهربان است»

وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ

ای آقای من، در شأن تو نیست که دستور به درخواست دهی

الْعَطِيَّةُ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ

و از بخشش خودداری کنی؛ تو با عطاهایت بر اهل مملکت کریمی

مَمْلَكَتِكَ، وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحْنٍ رَافِتِكَ.

و بر آنان با محبت و رأفت بسیار احسانکننده‌ای

إِلَهِي رَبِّتَنِي فِي نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا،

خدایا! مرا در کودکی در میان نعمت‌ها و احسانت پروریدی

وَنُوهْتَ بِاسْمِي كَبِيرًا،

و در بزرگسالی نامم را بلندآوازه ساختی

فَيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ،

ای آن‌که مرا در دنیا به احسان و نعمت‌هایش پرورید

وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ،

و برایم در آخرت به گذشت و کرمش اشاره کرد

مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ،

ای مولای من، معرفتم راهنمایم به‌سوی توست

وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ،

و عشقم به تو واسطه‌ام به پیشگاه توست

وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ،

من از دلیلم به دلالت تو مطمئنم

وَسَاكِنُ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ.

و از واسطه‌ام به شفاعت تو آرامم

أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ،

ای آقایم! تو را به زبانی می‌خوانم که گناهش او را ناگویا کرده

رَبِّ أَنَا جِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ،

و با دلی با تو مناجات می‌کنم که جرمش آن را هلاک ساخته

أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا،

تو را می‌خوانم، ای پروردگارم، هراسان و مشتاق و امیدوار و بیمناک

إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَرَعْتُ،

مولای من، هرگاه گناهانم را می‌بینم بی‌تاب می‌شوم

وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرٌ رَاحِمٍ،

و هرگاه کرم‌ت را می‌بینم به طمع می‌افتم؛ اگر درگذری بهترین رحم‌کننده‌ای

وَإِنْ عَذَبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ،

و اگر عذاب کنی ستم نکرده‌ای

حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِتْيَانِي مَا

خدایا! حجت من در گستاخی بر درخواست از تو، با ارتکاب آنچه

تَكْرَهُ جُودَكَ وَكَرْمَكَ،

کراهت داری، جود و کرم توست

وَعِدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قَلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتِكَ،

و ذخیره‌ام در سختی‌ها با کمی حیا، رأفت و رحمت توست

وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تُخَيِّبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنِيَّتِي

و امیدوارم که بین این دو، آرزویم را نومید نکنی

فَحَقِّقْ رَجَائِي، وَاسْمَعْ دُعَائِي، يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ،

پس امیدم را تحقق بخش و دعایم را بشنو، ای بهترین کسی که خواننده‌ای خواندش

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ،

و برترین کسی که امیدواری به او امید بست

عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ

ای آقای من، آرزویم بزرگ شده و کردارم زشت گشته، پس به اندازه آرزویم

بِمَقْدَارِ أَمَلِي،

از عفو تو به من ببخش

وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ

و به زشت‌ترین کردارم سرزنش من مکن، زیرا کرم تو برتر از کیفر

مُجَازَاةِ الْمُذْنِبِينَ،

گناه‌کاران است

وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ.

و بردباری‌ات بزرگ‌تر از مکافات تبهاران است

وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدُ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ،

و من، ای آقایم، پناهنده به احسان توأم، گریزان از تو به سوی توأم

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا،

خواستار تحقق چیزی هستم که وعده کردی، گذشت از کسی که نیک گمان است

وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي؟ هَبْنِي بِفَضْلِكَ،

چه هستم من، ای پروردگارم، و اهمیت من چیست؟ به احسانت مرا ببخش

وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ، أَيُّ رَبِّ جَلَلَنِي بِسِتْرِكَ،

و به گذشتت صدقه ده؛ پروردگارا مرا به پرده پوشی ات بپوشان

وَأَعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ،

و از توبیخم به بزرگواری ذات درگذر

فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتُهُ،

اگر امروز جز تو بر گناهم آگاه می شد، انجامش نمی دادم

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَأَجْتَنَبْتُهٗ،

و اگر از زود رسیدن عقوبت می ترسیدم، دوری می کردم

لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ إِلَيَّ وَأَخَفُ الْمُطْلَعِينَ

نه از این رو که تو سبک ترین بینندگان و بی مقدارترین آگاهانی

عَلَيَّ، بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبَّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ،

بلکه پروردگارا از این رو که تو بهترین پرده پوشی

وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ.

و حاکم ترین حاکمان و کریم ترین کریمانی

سِتَّارُ الْعُيُوبِ، غَفَّارُ الذُّنُوبِ، عَلَامُ الْغُيُوبِ،

پوشنده عیب ها، آمرزنده گناهان، دانای نهان ها

تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ، وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ،

گناه را با بزرگواریات می پوشانی و کیفر را با بردباریات به تأخیر می اندازی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ،

سپاس تو را سزااست بر بردباری‌ات پس از آنکه دانستی

وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ،

و بر گذشتت پس از آنکه توانستی

وَيَحْمِلُنِي وَيَجِرُّنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي،

بردباری‌ات مرا به‌سوی گناه می‌کشد

وَيَدْعُونِي إِلَى قَلَّةِ الْحَيَاءِ سِتْرَكَ عَلَيَّ،

پرده‌پوشی‌ات بر من، مرا به کم‌حیایی می‌خواند

وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ

و شناختم از رحمت گسترده و بزرگی عفو، به تاختن بر محرّمات

رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ، يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ،

شتابم می‌دهد؛ ای شکيبا، ای گرامی

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا غَافِرَ الذَّنْبِ، يَا قَابِلَ التَّوْبِ.

ای زنده، ای پاینده، ای آمرزنده، ای توبه‌پذیر

يَا عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ،

ای بزرگ‌نعمت، ای دیرینه‌احسان

أَيْنَ سِتْرِكَ الْجَمِيلِ؟ أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلِ؟ أَيْنَ فَرْجُكَ

پرده‌پوشی زیبایت کجاست؟ گذشت بزرگت کجاست؟ گشایش نزدیکت

الْقَرِيبِ؟ أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ؟ أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ؟

کجاست؟ فریادرسی سریع کجاست؟ رحمت گسترده‌ات کجاست؟

أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةِ؟ أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةِ؟ أَيْنَ

عطا‌های برترت کجاست؟ موهبت‌های گوارایت کجاست؟ جایزه‌های

صَنَائِعِكَ السَّيِّئَةِ؟ أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ؟ أَيْنَ مَنَّكَ

شایانت کجاست؟ احسان بزرگت کجاست؟ عطا‌ی عظیمت

الْجَسِيمُ؟ أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمُ؟ أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ؟

کجاست؟ احسان دیرینهات کجاست؟ کرم کجاست، ای کریم؟

بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَنْقِذْنِي،

به حق کرم و به محمد و خاندان محمد مرا رهایی بخش

وَبِرَحْمَتِكَ فَخَلِّصْنِي.

و به رحمتت خلاصم کن

يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ،

ای نیکوکار، ای زیباکار، ای نعمت‌ده، ای فزونی‌بخش

لَسْتُ أَتَكِلُ فِي النَّجَاةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ

من در رهایی از کیفرت بر اعمالمان تکیه نمی‌کنم

بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ،

بلکه به احسانت اعتماد دارم، چراکه تو اهل تقوا و مغفرتی

تُبْدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا، وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا،

از نعمت‌دهی آغاز به احسان می‌کنی و از کرم از گناه درمی‌گذری

فَمَا نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَجْمِيلَ مَا تَشْرُؤُ أَمْ قَيِّحَ مَا

نمی‌دانم از چه سپاس گویم، از زیبایی که می‌گسترانی یا زشتی

تَسْتُرُ؟ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ وَأَوَّلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ مَا مِنْهُ

که می‌پوشانی؟ یا بزرگ‌آزمونی که آزمودی و نیکی نمودی، یا

نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ؟ يَا حَيِّبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ،

آن مشکلی که رهانیدی و سلامت کامل بخشیدی؟ ای محبوب آن‌که به تو دوستی ورزید

وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَازَ بِكَ وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ.

ای نور چشم کسی که به تو پناه آورد و برای تو از دیگران گسست

أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزِ يَا رَبِّ عَنْ

تو نیکوکاری و ما بدکارانیم؛ پروردگارا از

قَبِيحٌ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ،

زشتی آنچه نزد ماست، به زیبایی آنچه نزد توست درگذر

وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ؟ أَوْ أَيْ زَمَانٍ أَطُولُ

کدام جهلی است که جود تو گنجایش آن نداشته باشد؟ یا کدام زمان طولانی‌تر

مِنْ أَنْاتِكَ؟ وَمَا قَدْرُ أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ؟ وَكَيْفَ

از مهلت‌دادن توست؟ ارزش اعمال ما در کنار نعمت‌هایت چیست؟ چگونه

نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ؟ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَيَّ

اعمالمان را بسیار انگاریم تا با کرمت برابری کنیم؟ بلکه چگونه بر

الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ؟ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ،

گناهکاران تنگ شود آنچه از رحمتت شاملشان شده؟ ای گسترده‌آمرزش

يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ،

ای گشاده‌دست به رحمت



فَوْعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا

پس به عزّتت سوگند، ای آقای من، اگر مرا برانی از درگاهت دور نخواهم شد

كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَتَّهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ

و از تملق نسبت به تو دست نخواهم کشید، به خاطر شناختی که

بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ.

به جود و کرمّت پیدا کرده‌ام

وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ

تو انجام دهی آنچه خواهی؛ هر که را بخواهی عذاب می‌کنی، به هر چه

كَيْفَ تَشَاءُ، وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ،

بخواهی، به هر صورت که بخواهی؛ و رحم می‌کنی هر که را بخواهی، به هر چه بخواهی

لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ، وَلَا تُتَارَعُ فِي مُلْكِكَ،

از آنچه کنی بازخواست نشوی، و در فرمانرواییات نزاعی درنگیرد

وَلَا تُشَارِكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ،

و کسی در کارت شریک نشود و در داوریات همتا نیایی

وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ،

و در تدبیرت احدی بر تو اعتراض نکند

لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.

آفرینش و فرمان ویژه توست؛ منزّه است خدا، پروردگار جهانیان

يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَأَذِ بِكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَالْفَ

پروردگارا، این است جایگاه کسی که به پناهت آمد و به کرمیت پناه جست

إِحْسَانِكَ وَنِعَمِكَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ،

و به احسان و نعمت‌هایت الفت گرفتی؛ تویی سخاوتمندی که گذشتت به تنگی نمی‌رسد

وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ، وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ،

و احسانت کاهش نمی‌پذیرد و رحمتت کم نمی‌شود

وَقَدْ تَوَثَّقْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ، وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ،

و به یقین از چشم پوشی دیرینت و احسان بزرگت اعتماد کردیم

وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ.

و از رحمت گستردهات

أَفْتَرَاكَ يَا رَبِّ تُخَلِّفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَيِّبُ آمَلَانَا؟ كَلَّا

آیا ممکن است، پروردگارا، برخلاف گمان های ما رفتار کنی؟ هرگز

يَا كَرِيمُ فَلَيْسَ هَذَا ظُنُّنَا بِكَ وَلَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا،

ای بزرگوار، چنین گمانی به تو نیست و طمع ما این چنین نیست

يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا،

پروردگارا، ما را درباره تو آرزوی طولانی بسیاری است

إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا،

ما را در حق تو امید بزرگی است



عَصِيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا،

از تو نافرمانی کردیم، درحالی که امید داریم بر ما بیوشانی

وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا،

و تو را خواندیم و امیدواریم اجابت کنی

فَحَقِّقْ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ

مولای ما، امیدمان را تحقق بخش؛ دانستیم با کردارمان سزاوار چه

بِأَعْمَالِنَا وَلَكِنْ عِلْمُكَ فِينَا وَعِلْمُنَا بِأَنْكَ لَا

خواهیم بود، ولی دانش تو درباره ما و آگاهی ما به اینکه ما را

تَصْرِفْنَا عَنْكَ حَشْنَا عَلَى الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ،

از درگاهت نمی رانی، ما را بر رغبت به تو واداشت

وَإِنْ كُنَّا غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلُ أَنْ

و اگر ما سزاوار رحمت نیستیم، تو شایسته آنی که

تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُذْنِبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ.

بر ما و بر گنه کاران به احسان گسترده‌ات جود کنی

فَأَمْنٌ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا

پس بر ما ممت گذار و جود کن، آن‌گونه که شایسته‌ای

مُحْتَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ، يَا غَفَّارُ نُورِكَ اهْتَدَيْنَا،

که ما نیازمند عطای تویم؛ ای بسیار آمرزنده! به نورت هدایت شدیم

وَبِفَضْلِكَ اسْتَغْنَيْنَا، وَبِنِعْمَتِكَ أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا،

و به فضلت بی‌نیاز شدیم، و به نعمتت بامداد و شامگاه کردیم

ذُنُوبَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَنُتُوبُ

گناهان ما پیش روی توست، خدایا از آن‌ها آمرزش می‌خواهیم

إِلَيْكَ، تَحَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ،

و به‌سویت باز می‌گردیم؛ تو با نعمت‌ها با ما دوستی می‌کنی و ما با گناه مقابله می‌کنیم

خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ، وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ،

خیرت به‌سوی ما سرازیر است و بدی ما به‌سوی تو بالا می‌رود

وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ

و همواره فرشته‌ای بزرگوار کردار زشت ما را به‌سوی تو می‌آورد

فَقِيحٌ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ،

و این مانع نمی‌شود از اینکه با نعمت‌هایت فراگیری

وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْأَنْك،

و به عطاهایت بر ما لطف کنی

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئًا

منزهی تو، چه بردبار و بزرگ و کریمی

وَمُعِيدًا.

آغازکننده به نیکی و تکرارکننده آتی

تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ،

نام‌هایت مقدس و ثنایت عظیم است

وَكُرِّمَ صَنَائِعُكَ وَفَعَالُكَ، أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلًا،

و رفتارها و کردارهایت کریمانه است؛ تو، ای معبودم، احسانت گسترده‌تر

وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِفَعْلِي وَخَطِيئَتِي،

و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که مرا به کردارم بسنجی

فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ الْعَفْوُ، سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي.

پس گذشت، گذشت، گذشت؛ آقای من، آقای من، آقای من

اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ، وَأَعِزَّنَا مِنْ سَخَطِكَ،

ما را به ذکر مشغول کن و از خشم پناه ده

وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ، وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ،

و از عذابت نجات بخش و از مواهب روزی کن



وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ،

و از فضلّت بر ما لطف فرما

وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ

و زیارت خانه‌ات و مرقد پیامبرت را روزی ما کن

وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ

صلوات و رحمت و مغفرت و رضوانت بر او و خاندانش باد

إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ، وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ،

همانا تو نزدیک و پاسخ‌دهنده‌ای؛ عمل به طاعتت را روزی ما گردان

وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و ما را بر دینت و روش پیامبرت

وَالِهِ.

درود خدا بر او و خاندانش، بمیران



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي

خدایا! من و پدر و مادرم را بیامرز و بر هر دو رحم کن، چنان که

صَغِيرًا،

در کودکی مرا پروردند

اجْزِهِمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا.

احسانشان را به احسان و بدی‌هایشان را به آمرزش پاداش ده

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

خدایا! مردان و زنان مؤمن را بیامرز، چه زنده و چه مرده‌شان

وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ.

و بین ما و آنان با نیکی‌ها پیوند ده

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا،

خدایا! بیامرز زنده و مرده ما را، حاضر و غائب ما را

ذَكَرْنَا وَأَنْثَانَا، صَغِيرَنَا وَكَبِيرَنَا، حُرَّنَا وَمَمْلُوكَنَا،

مرد و زن ما را، کوچک و بزرگ ما را، آزاد و برده ما را

كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا

منکران خدا دروغ گفتند و بسیار گمراه شدند

خُسْرَانًا مُبِينًا.

و زبانی آشکار کردند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِيْ بِخَيْرٍ،

خدایا! بر محمد و خاندان محمد درود فرست و برایم ختم به خیر فرما

وَإَكْفِنِيْ مَا أَهَمَّنِيْ مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِيْ،

و مرا از آنچه دنیا و آخرتم را بی‌قرار کرده کفایت کن

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِيْ،

و کسی که به من رحم نمی‌کند بر من چیره مساز

وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاْقِيَةً بَاقِيَةً،

و از سوی خود نگهبانی همیشگی بر من قرار ده

وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ،

و از من شایستگی آنچه لطف کردی مگیر

وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا.

و از فضلت روزی گسترده و حلال پاکیزه نصیبم کن

اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ، وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ،

خدایا! به نگهبانیات نگهبانی‌ام کن و به نگهداریات نگهدارم

وَأَكْلَانِي بِكَلاَةٍكَ،

و به پاسداریات پاسداری‌ام کن

وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ

و زیارت خانهات را در این سال و هر سال

وَزِيَارَةُ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ،

و زیارت مرقد پیامبرت و امامان - درود بر آنان - روزی من کن

وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ

پروردگارا، از این مشاهد شریف

وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ.

و مواقع باارزش مرا محروم مساز

اللَّهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَغْصِيكَ،

خدایا! به من روی آور تا نافرمانی‌ات نکنم

وَاللَّهِمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتِكَ بِاللَّيْلِ

و خیر و عمل به آن و هراس از خودت را در شب و روز

وَالنَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ.

تا زنده‌ام می‌داری، ای پروردگار جهانیان، به من الهام کن

اللَّهُمَّ إِنِّي كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبْتُ وَقُمْتُ

خدایا! هرگاه گفتم مهیا شدم و در پیشگاهت به نماز ایستادم

لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ الْقَيْتَ عَلَى نَعَاسٍ إِذَا

و با تو راز گفتم، چرتی بر من افکندی، آنگاه که نماز خواندم

أَنَا صَلَّيْتُ، وَسَلَّيْتُ مُنَاجَاتَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ،

و حال راز گفتن را از من گرفتی، آنگاه که با تو رازونیز کردم

مَالِي كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ سِرِّي،

مرا چه شده؟ هرگاه گفتم نهانم شایسته شد

وَقُرْبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَّائِنِ مَجْلِسِي عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ

و جایگاهم به توبه‌کنندگان نزدیک شد، گرفتاری‌ای پیش آمد

أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتَ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ.

که پایم را لغزاند و میان من و خدمت تو مانع شد



سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي،

سرور من، شاید مرا از درگاهت رانده‌ای

وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي،

و از خدمتت برکنار نموده‌ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي،

یا مرا دیده‌ای که حقت را سبک می‌شمارم، پس دورم ساختی

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي،

یا شاید مرا روی‌گردان دیدی، پس مورد خشمم قرار دادی

أَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَרَفَضْتَنِي،

یا شاید مرا در جایگاه دروغ‌گویان یافتی، پس دورم انداختی

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي،

یا شاید ناسپاس نعمت‌هایت دیدی، پس محرومم کردی

أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي،

یا شاید از هم‌نشینی دانشمندان غایبم یافتی، پس خوارم نمودی

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ أَيْسَرْتَنِي،

یا شاید در گروه بی‌خبران دیدی، پس از رحمتت ناامیدم کردی

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلْفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيَّنْتَنِي

یا شاید انس‌یافته با مجالس بیکاره‌ها دیدی، پس مرا به آنان

وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي،

وا گذاشتی

أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي،

یا شاید دوست نداشتی دعایم را بشنوی، پس دورم نمودی

أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي كَافَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ

یا شاید به‌خاطر جرمم کیفرم نمودی، یا شاید

حَيَّائِي مِنْكَ جَارِيَّتِي.

برای کمی حیایم مجازاتم نمودی

فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي

پس اگر گذشت کنی، پروردگارا، سابقه گذشتت از گناهکاران پیش از من

لَإِنَّ كَرَمَكَ أَيْ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ،

طولانی است، زیرا کرمیت از مجازات اهل تقصیر بزرگتر است

وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ، هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ،

و من پناهنده فضل توأم، از تو به سوی تو گریزانم

مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا.

خواهان چیزی‌ام که وعده دادی، گذشت از نیک‌گمانان به تو

إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا،

خدایا! تو گسترده‌فضل‌تری

وَأَعْظَمُ حِلْمًا مَنْ أَنْ تُقَايَسَنِي بِعَمَلِي،

و بردباری‌ات بزرگ‌تر از آن است که به عملم بسنجی‌ام

أَوْ أَنْ تَسْتَزِلَّنِي بِخَطِيئَتِي،

یا به خطایم بلغزانی‌ام

وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطَرِي.

ای آقایم، من چیستم و چه ارزشی دارم

هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ،

سرور من، مرا به فضلت ببخش و با گذشتت بر من کرم کن

وَجَلِّلْنِي بِسِتْرِكَ، وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَجْهِكَ،

و خطاهایم را بپوشان و از توبیخم درگذر

سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ،

آقای من، منم کودکی که پروریدی

وَإِنَّا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتُهُ،

منم نادانی که دانا نمودی

وَإِنَّا الضَّالُّ الَّذِي هَدَيْتُهُ،

منم گمراهی که هدایت کردی

وَإِنَّا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتُهُ،

منم افتاده‌ای که بلندش کردی

وَإِنَّا الْخَائِفُ الَّذِي أَمَنْتُهُ، وَالْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتُهُ،

منم هراسانی که امانش دادی، و گرسنه‌ای که سیرش نمودی

وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتُهُ، وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتُهُ،

و تشنه‌ای که سیرابش کردی، و برهنه‌ای که پوشاندیش

وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتُهُ، وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتُهُ،

و تهیدستی که توانگرش ساختی، و ناتوانی که نیرومندش نمودی

وَالَّذِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتُهُ، وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتُهُ،

و خواری که عزیزش کردی، و بیماری که شفایش دادی

وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتُهُ، وَالْمُذْنِبُ الَّذِي سَتَرْتُهُ،

و خواهشمندی که عطایش کردی، و گناهکاری که گنااهش را پوشاندی

وَالْخَاطِئُ الَّذِي أَقْلَتُهُ.

و خطاکاری که نادیده‌اش گرفتی

وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتُهُ،

و منم اندکی که بسیارش فرمودی

وَالْمُسْتَضَعْفُ الَّذِي نَصَرْتُهُ، وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي أَوَيْتُهُ،

و ناتوان‌شمرده‌ای که یاری‌اش دادی، و رانده‌ای که مأوایش بخشیدی

أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحِكْ فِي الْخَلَاءِ،

پروردگارا، منم کسی که در خلوت از تو حیا نکردم

وَلَمْ أَرَاقِبْكَ فِي الْمَلَأِ، أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى،

و در آشکار ملاحظه نمودم؛ منم صاحب مصیبت‌های بزرگ

أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِهِ اجْتَرَى،

منم آن‌که بر آقاییش گستاخی کرد

أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ،

منم آن‌که جبار آسمان را نافرمانی کرد

أَنَا الَّذِي أُعْطِيتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرِّشَى،

منم آن‌که بر معاصی بزرگ رشوه دادم

أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى،

منم آن‌که هرگاه به گناهی مژده داده می‌شدم شتابان می‌رفتم

أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ،

منم آن‌که مهلتم دادی و باز نایستادم



وَسَرَّتْ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحِيتُ،

و بر من پرده پوشاندی و حیا نکردم

وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَّيْتُ،

و مرتکب گناهان شدم و از اندازه گذراندم

وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ فَمَا بَالَيْتُ، فَبِحِلْمِكَ أَمَهَّلْتَنِي،

و مرا از چشمت انداختی، باک نکردم؛ با بردباری‌ات مهلتم دادی

وَبَسِطَ سَرَّتَنِي حَتَّى كَانَكَ أَغْفَلْتَنِي،

و با پرده‌پوشی‌ات پوشاندی تا گویی از یاد برده‌ای

وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَانَكَ

و از مجازات گناهان برکنارم داشتی، گویی

اسْتَحِيتَنِي،

تو از من حیا کردی

إِلَهِي لَمْ أَعْصِكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَا حِدٌ،

خدایا! آنگاه که نافرمانی کردم، نه از آن رو بود که منکر پروردگاریات باشم

وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخَفٌّ، وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ،

و نه سبک‌شمارنده فرمانت، و نه گستاخ در برابر کيفرت

وَلَا لَوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ،

و نه تهدیدت را ناچیز شمارم

لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي، وَغَلَبَنِي هَوَايَ،

بلکه خطایی بود که عارض شد و نفسم آن را برایم آراست و هوایم بر من چیره شد

وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي، وَغَرَّنِي سِتْرُكَ الْمُرْخَى عَلَىَّ،

و بدبختی‌ام یاری‌ام کرد و پرده افتاده‌ات مغرورم نمود

فَقَدْ عَصَيْتُكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي،

پس با کوشش من نافرمانی‌ات کردم و به مخالفت برخاستم

فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَقِذْنِي وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ

اکنون چه کسی مرا از عذابت نجات می‌دهد؟ و فردا از چنگ ستیزه‌جویان

غَدًا مَنْ يُخَلِّصُنِي وَيَجْبِلُ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ

چه کسی رهایم می‌کند؟ و به رشته‌ی چه کسی بپیوندم

حَبْلِكَ عَنِّي.

اگر تو رشته‌ات را از من بگسلی؟

فَوَا سَوَاتَا عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابِكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا

مرا چه رسوایی بزرگی است از آنچه کتابت از کردارم به شمار آورده

مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ إِيَّايَ عَنْ

اگر امیدوار به کرم و فراوانی رحمتت نبودم و اینکه از ناامیدی نهی نموده‌ای

الْقُنُوطِ لَقَنْطُ عِنْدَمَا أَتَدَكُّرُهَا،

هرآینه ناامید می‌شدم هنگامی که گناهانم را به یاد می‌آوردم

يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ، وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ.

ای بهترین کسی که خواننده‌ای او را خواند، و برترین کسی که امید ی به او بست

اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ،

خدایا! به پیمان اسلام به تو توسل می‌جویم

وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ عَلَيْكَ،

و به حرمت قرآن بر تو تکیه می‌کنم

وَيُحْيِي النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الْقُرَشِيَّ الْهَاشِمِيَّ الْعَرَبِيَّ

و به محبتم به پیامبر درس‌ناخوانده قریشی هاشمی عربی

التَّهَامِيَّ الْمَكِّيَّ الْمَدَنِيَّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ،

تهامی مکی مدنی، هم‌جواری نزد تو را امید می‌کنم

فَلَا تُوحِشْ اسْتِنَاسَ إِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ

پس انس ایمانی مرا به وحشت مینداز و پاداش مرا

عَبْدَ سَوَاكِ.

پاداش کسی که غیر تو را عبادت کرده قرار مده

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِاللَّسْتِهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ

چه اینکه مردمی به زبانشان ایمان آوردند تا جانشان را حفظ کنند

فَأَدْرَكُوا مَا أَمَّلُوا،

پس به آرزوی خود رسیدند

وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِاللَّسْتِنَا وَقُلُوبُنَا لَتَعْفُو عَنَّا

و ما با زبان و دلمان به تو ایمان آوردیم تا از ما درگذری

فَأَدْرَكْنَا مَا أَمَلْنَا، وَثَبَّتْ رَجَاءُكَ فِي صُدُورِنَا،

پس ما را به آرزویمان برسان و امیدت را در سینه‌هایمان استوار کن

وَلَا تُرْغِ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا،

و دل‌هایمان را پس از هدایت منحرف مکن

وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ،

و از سوی خود ببخشان که تو بسیار بخشنده‌ای

فَوْعِزَّتِكَ لَوْ أَتَهَرَّتِي مَا بَرَحْتُ مِنْ بَابِكَ،

به عزتت سوگند، اگر مرا برانی، از درگاهت نخواهم رفت

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّكِ لِمَا أُلِّهِمْ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ

و از چاپلوسی نسبت به تو باز نخواهم ایستاد، به خاطر معرفتی که

بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ،

به کرم و گستردگی رحمت در قلمب الهام شده

إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ،

بنده به سوی چه کسی جز مولایش می‌رود؟

وَالِإِلَى مَنْ يَلْتَجِي الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ.

و آفریده به چه کسی جز آفریدگارش پناه می‌برد؟

إِلٰهِي لَوْ قَرَّتْنِي بِالْأَصْفَادِ،

خدایا! اگر مرا با زنجیرها ببندی

وَمَنْعَتْنِي سَيِّكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ،

و عطایت را در میان مردم از من بازداری

وَدَلَّلْتَ عَلَيَّ فَضَائِحِي عُيُونِ الْعِبَادِ،

و بر رسوایی‌هایم دیدگان بندگان را بگشایی

وَأَمَرْتَ بِي إِلَى النَّارِ،

و مرا به سوی دوزخ فرمان دهی

وَحُلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ،

و بین من و نیکان حجاب شوی، امیدم را از تو نخواهم برید

وَمَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ،

و آرزویم را از عفو تو باز نخواهم گرداند

وَلَا خَرَجَ حُبِّكَ مِنْ قَلْبِي، أَنَا لَا أَنْسَى أَيَادِيكَ عِنْدِي،

و محبتت از قلبم بیرون نخواهد رفت؛ فراوانی عطایت را نزد خود فراموش نمی‌کنم

وَسِتْرَكَ عَلَىِّ فِي دَارِ الدُّنْيَا،

و پرده‌پوشی‌ات را در دار دنیا

سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي،

ای آقای من، محبت دنیا را از دلم بیرون کن

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَىٰ وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و میان من و مصطفی و خاندانش، بهترین برگزیدگانت

وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

و پایان‌بخش پیامبران، محمد -درود خدا بر او و خاندانش- جمع کن

وَأُنْقِلْنِي إِلَىٰ دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ،

و مرا به مقام توبه به پیشگاهت برسان

وَأَعْنِي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ

و بر گریه بر خودم یاری‌ام ده؛ عمرم را به آرزوهای باطل نابود ساختم

وَالْأَمَالَ عُمْرِي، وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْإِسِينِ مِنْ خَيْرِي،

و به جایگاه ناامیدان از خیر فرود آمدم

فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ

پس بدحال‌تر از من کیست؟ اگر بر چنین حالی به قبرم درآیم

حَالِي إِلَى قَبْرِي لَمْ أُمِهِدْهُ لِرَقْدَتِي،

قبری که برای خوابم آماده نساختم‌ام

وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لَضَجْعَتِي؟ وَمَا لِي لَا أَبْكِي

و به کار نیک فرشش ننموده‌ام؛ مرا چه شده که گریه نکنم

وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي، وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي،

و نمی‌دانم بازگشتم به‌سوی چیست؛ نفسم را می‌نگرم که نیرنگ می‌بازد

وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ خَفَقْتُ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنَحَهُ

و روزگار را می بینم که می فریبد، و بال های مرگ بالای سرم

الْمَوْتُ؟ فَمَا لِي لَا أَبْكِي؟ أَبْكِي لِخُرُوجِ نَفْسِي،

به حرکت درآمده؛ پس مرا چه شده که گریه نکنم؟ گریه می کنم برای بیرون رفتن جانم

أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي، أَبْكِي لِضِيقِ لَحْدِي،

گریه می کنم برای تاریکی قبرم، گریه می کنم برای تنگی لحدم

أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ أَيَّامِي.

گریه می کنم برای پرسش منکر و نکیر از من

أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلَى

گریه می کنم برای درآمدنم از قبر، عریان و خوار

ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِذْ

درحالی که بار سنگینی بر دوش می کشم، بار از راست و چپ می نگرم

الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي،

چراکه مردمان در کاری جز کار من اند

لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمٌ شَأْنُ يَغْنِيهِ،

در آن روز هرکس را کاری است که او را بس است

وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ مُسْفَرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ،

چهره‌هایی در آن روز درخشان و خندان و خوش‌حال است

وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَذَلَّةٌ،

و چهره‌هایی در آن روز غبار و سیاهی و ذلت پوشانده

سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعَوَّلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي،

ای آقای من، تکیه و اعتماد و امید و توکلم بر توست

وَبِرَحْمَتِكَ تَعْلُقِي،

و آویختنم به رحمت توست

تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ،

هر که را خواهی به رحمت می‌رسانی و هر که را دوست داری هدایت می‌کنی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشَّرِكِ قَلْبِي،

تو را سپاس بر اینکه قلبم را از شرک پاک کردی

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي،

و تو را سپاس بر گشودن زبانم

أَفِلسَانِي هَذَا الْكَلَّ أَشْكُرُكَ؟ أَمْ بَغَايَةِ جُهْدِي فِي

آیا با این زبان کندم تو را شکر کنم؟ یا با نهایت کوشش در کارم

عَمَلِي أَرْضِيكَ.

تو را خشنود کنم؟

وَمَا قَدْرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ؟ وَمَا قَدْرُ عَمَلِي

پروردگارا، ارزش زبانم در کنار شکر تو چیست؟ و قیمت کارم در برابر



فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ؟ إِلَهِي إِنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمْلِي،

نعمت‌ها و احسانت چیست؟ خدایا، جودت آرزویم را گسترده

وَشُكْرَكَ قَبْلَ عَمَلِي، سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي،

و شکر تو عملم را پذیرفت؛ ای آقای من، میل به سوی توست

وَالْإِلَيْكَ رَهْبَتِي، وَالْإِلَيْكَ تَأْمِيلِي،

و ترسم از سوی توست، و آرزویم به پیشگاه توست

وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمْلِي،

و آرزویم مرا به سوی تو کشانده

وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكْفَتْ هِمَّتِي،

و همتم به درگاه تو، ای یگانه من، سرگرم شده

وَفِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتِي، وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي،

و رغبتم در آنچه نزد توست فزونی یافته، و امید و بیمم خالص برای توست

وَبِكَ أَنْسَتْ مَحَبَّتِي، وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ يَدِي،

و محبتم به تو انس گرفته، و دستم را به سوی تو انداختم

وَيَحْبِلُ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي،

و ترسم را به سوی رشته طاعتت کشیدم

يَا مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي،

ای مولای من، دلم به یاد تو زندگی کرد

وَيَمْنًا جَاتِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي،

و با مناجات آتش هراس را بر خود سرد کردم

فَيَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي فَرَّقَ بَيْنِي

پس ای مولایم و آرزویم و نهایت خواسته‌ام، جدایی انداز

وَيَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعَ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ،

میان من و گناهم که بازدارنده من از پایبندی به طاعت توست

فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقْدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ،

تنها به خاطر امید دیرینه به تو درخواست می‌کنم

وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أَوْجَبْتُهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنْ

و بزرگی طمعم از تو، آنچه بر خود واجب کرده‌ای از

الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ،

رافت و رحمت

فَلَا أُمِرُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ

پس فرمان تنها از آن توست، شریکی نداری، و همه مخلوقات جیره‌خوار تو

وَفِي قَبْضَتِكَ، وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ،

و در قبضه تو، و هر چیز برای تو فروتن است

تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

منزهی تو، ای پروردگار جهانیان

إِلَهِي ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي،

خدایا! به من رحم کن آنگاه که حجتم بریده شود

وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي، وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ إِيَّايَ لُبِّي،

و زبانم از پاسخت گند گردد و هوشم به هنگام بازپرسیات برود

فِيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي،

ای بزرگ‌امیدم، آنگاه که بیچارگی‌ام شدت گیرد محرومم مکن

وَلَا تُرِدِّنِي لِجَهْلِي، وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي،

و به‌خاطر نادانی‌ام مران، و به‌خاطر کم‌تابی‌ام از رحمت دریغ مکن

أَعْطِنِي لِفَقْرِي، وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي،

به‌خاطر تهیدستی‌ام عطایم کن و به‌خاطر ناتوانی‌ام رحمم کن

سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي،

آقایم، اعتماد و تکیه و امید و توکلم بر توست

وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي، وَبِفَنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي،

و آویختنم به رحمت توست، و بارم را به آستانت می افکنم

وَبُجُودِكَ أَقْصِدُ طَلَبَتِي،

و خواسته ام را به وسیله جودت می جویم

وَبِكَرَمِكَ أَيَّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعَائِي، وَلَدَيْكَ أَرْجُو فَاقْتِي،

و به کرم، پروردگارا، دعایم را آغاز می کنم، و رفع تنگدستی ام را از تو امید دارم

وَبِغْنَاكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي، وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي،

و به توانگری ات ناداری ام را جبران می کنم، و ایستادنم زیر سایه عفو توست

وَأِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصِيرِي،

و به جانب جود و کرمت دیده ام را بلند می کنم

وَأِلَى مَعْرِفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي.

و به سوی احسانت نگاهم را ادامه می دهم

فَلَا تُحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي،

پس مرا به آتش مسوزان، در حالی که تو جایگاه آرزوی منی

وَلَا تُسَكِّنِي الْهَآوِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي،

و در دوزخ جایم مده که تو نور چشم منی

يَا سَيِّدِي لَا تُكَذِّبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ

ای آقای من، گمانم به احسانت را دروغ میندار که تو مورد اطمینانم

ثَقَمْتِي، وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي.

و از پاداشت محرومم مکن که به تهیدستی‌ام آگاهی

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي

خدایا! اگر مرگم فرارسیده و کردارم مرا به تو نزدیک نکرده

فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذُنْبِي وَسَائِلَ عِلِّي.

پس اقرار به گناهم را وسیلهٔ عذرخواهی‌ام قرار دادم

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ؟ وَإِنْ عَذَّبْتَ

خدایا! اگر گذشت کنی، سزاوارتر از تو به گذشت کیست؟

فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ؟ أَرْحَمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا

و اگر عذاب کنی، دادگتر از تو در داوری کیست؟ در این دنیا

غُرَبَتِي، وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي، وَفِي الْقَبْرِ وَحْدَتِي،

به غربتم، و به گاه مرگ به سختی جانم، و در قبر به تنهایی‌ام

وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي،

و در لحد به هراسم رحم کن

وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلٌّ مَوْقِفِي،

و آنگاه که برای حساب برانگیخته شدم، به خواری جایگاهم رحم کن

وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَى الْأَدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي.

و آنچه از کردارم بر انسان‌ها پوشیده مانده بیامرزش

وَأَدِمَّ لِي مَا بِهِ سَرَّتِي،

و آنچه به آن پوشاندی ام تداوم بخش

وَارْحَمْنِي صَرِيحًا عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي،

و به من رحم کن آنگاه که در بستر مرگ افتاده ام و دستان دوستانم زیر و رویم می کنند

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُقَلِّبُنِي صَالِحُ

و بر من لطف فرما آنگاه که بر تخت غسلخانه دراز افتاده ام

جِيرَتِي،

و همسایگان شایسته زیر و رویم می کنند

وَتَحَنَّنْ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاولَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ

و مهرورزی کن آنگاه که حمل می شوم و بستگانم

جِنَازَتِي،

گوشه های جنازه ام را به دوش برداشته اند

وَجُدْ عَلَىٰ مَنُوقُلًا قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي،

و جود کن آنگاه که تنها در قبرم به پیشگاهت وارد شده‌ام

وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ غُرْبَتِي حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ

و در آن خانه جدید بر غربتم رحم کن تا به غیر تو انس نگیرم

بَغِيرِكَ، يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَىٰ نَفْسِي هَلَكْتُ.

ای آقای من، اگر مرا به خودم واگذاری هلاک شده‌ام

سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَعِيْثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّنِي عَثْرَتِي؟ فَإِلَىٰ مَنْ

سرورم، اگر لغزشم را فسخ نکنی، از چه کسی فریادرسی خواهم؟

أَفْرَعْ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي؟ وَإِلَىٰ مَنْ أَلْتَجِيْ

و به چه کسی پناه برم اگر توجهِت را در آرامگاهم نداشته باشم؟

إِنْ لَمْ تُتَفِّسْ كُرْبَتِي؟ سَيِّدِي مَنْ لِي؟ وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ

و اگر اندوهم را برطرف نکنی به چه کسی پناه برم؟ سرورم، که را دارم؟

لَمْ تَرْحَمْنِي؟ وَفَضْلَ مَنْ أُؤَمِّلُ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ

و چه کسی رحمم می‌کند اگر تو رحم نکنی؟ و احسان که را آرزو کنم

فَاقْتِي؟ وَإِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي؟

اگر احسانت را روز بیچارگی‌ام نداشته باشم؟ و گریز از گناهان به‌سوی کیست

سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ.

وقتی عمرم سرآید؟ سرورم، عذابم مکن که به تو امید دارم

إِلَهِي حَقِّقْ رَجَائِي، وَأَمِنْ خَوْفِي،

خدایا! امیدم را تحقق بخش و ترسم را ایمنی ده

فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ،

زیرا با فراوانی گناهانم، امیدی جز به گذشتت ندارم

سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ،

آقای من، چیزی می‌خواهم که شایسته آن نیستم

وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَاغْفِرْ لِي

و تو اهل تقوا و آمرزشی، پس بیامرزم

وَالْبَسْنِي مِنْ نَظَرِكَ ثَوْبًا يُغَطِّي عَلَى التَّبَعَاتِ

و جامه‌ای از نگاه لطفت بر من بپوشان که گناهانم را بپوشاند

وَتَغْفِرْهَا لِي وَلَا أُطَالِبُ بِهَا، إِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٌ،

و بیامرزی‌شان و بازخواست نشوم؛ تو دارای کرم دیرینه‌ای

وَصَفْحٌ عَظِيمٌ، وَتَجَاوُزٌ كَرِيمٌ.

و چشم‌پوشی بزرگ و گذشت کریمانه‌ای

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيْبَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ وَعَلَيَّ

خدایا! تویی که عطایت را می‌فرستی بر کسی که از تو نمی‌خواهد

الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ،

و بر منکران پروردگاری‌ات

فَكَيْفَ سَيِّدِي بِمَنْ سَأَلَكَ وَآيَقَنَ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ،

چه رسد، آقای من، بر کسی که از تو خواسته و یقین دارد که آفرینش از توست

وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ؟ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ،

و فرمان به دست توست؛ منزّه و والایی، ای پروردگار جهانیان

سَيِّدِي عَبْدُكَ بِيَابِكَ أَقَامَتْهُ الْخَصَاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ

آقای من، بندهات به درگاه توست، تنگدستی او را پیش رویت آورده

يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ فَلَا تُعْرِضُ بَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ

و با دعایش در خانه احسانت را می‌کوبد؛ روی کریمت را از من مگردان

عَنِّي، وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ،

و آنچه می‌گویم از من بپذیر

فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنَا أَرْجُو أَنَّ لَا تُرَدِّنِي

من تو را با این دعا خواندم، امیدوارم به‌خاطر

مَعْرِفَةً مِّنِي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ.

شناختم به رأفت و رحمتت، بازم نگردانی

إِلٰهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُحْفِيكَ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ،

خدایا! تویی که خواهنده‌ای ناتوانت نکند و عطاگیرنده‌ای از تو نکاهد

أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ.

تو چنانی که خود می‌گویی و برتر از آنچه ما می‌گوییم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا، وَفَرَجًا قَرِيبًا،

خدایا! از تو شکیبایی زیبا و گشایشی نزدیک درخواست می‌کنم

وَقَوْلًا صَادِقًا، وَأَجْرًا عَظِيمًا،

و گفتاری درست و مزدی بزرگ

أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ

پروردگارا! از تو خیر تمامش را می‌خواهم، آنچه دانسته‌ام

أَعْلَمُ،

و آنچه ندانسته‌ام

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلَكَ مِنْهُ عِبَادُكَ

خدایا! بهترین چیزهایی را می‌خواهم که بندگان شایسته‌ات

الصَّالِحُونَ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَأَجُودَ مَنْ أُعْطِيَ،

خواستند، ای بهترین خواسته‌شده و سخی‌ترین بخشنده

أَعْظِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي

خواسته‌ام را در حق خودم و خانواده‌ام و پدر و مادرم و فرزندانم و خاصانم

حُزَاتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ، وَأَرْغَدُ عَيْشِي، وَأُظْهِرُ مَرْوَتِي،

و برادران دینی‌ام عطا کن، و زندگی‌ام را گوارا گردان، و جوانمردی‌ام را آشکار ساز

وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطْلَتْ عُمرُهُ،

و همهٔ احوال‌م را اصلاح کن، و مرا از کسانی قرار ده که عمرش را طولانی کردی



وَحَسَنَتِ عَمَلُهُ، وَأَتَمَّتْ عَلَيْهِ نِعْمَتُكَ، وَرَضِيتَ عَنْهُ،

و کردارش را نیکو ساختی، و نعمتت را بر او تمام کردی، و از او خشنود شدی

وَأَحْيَيْتُهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ،

و به زندگانی پاکیزه‌اش زنده داشتی، در بادوام‌ترین خوشی‌ها

وَأَسْبَغَ الْكَرَامَةَ،

و کامل‌ترین کرامت‌ها

وَأَتَمَّ الْعَيْشَ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

و کامل‌ترین زندگی؛ همانا تو هرچه بخواهی انجام می‌دهی

غَيْرُكَ.

و جز تو هرچه بخواهد، توان انجامش را ندارد

اللَّهُمَّ خُصِّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ،

خدایا! از سوی خود مرا به ذکر ویژه‌ات اختصاص ده

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِّمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آثَاءِ اللَّيْلِ

و آنچه را با آن تقرب می‌جویم، در تمام اوقات شب و روز

وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا،

وسیلهٔ ریا و شهرت‌خواهی و هوسرانی و طغیانگری قرار مده

وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ.

و مرا از خاکساران درگاهت بگردان

اللَّهُمَّ اعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ، وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ،

خدایا! گشایش در روزی و امنیت در وطن را عطا کن

وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ،

و نور چشم در خانواده و مال و فرزند

وَالْمُقَامَ فِي نَعْمِكَ عِنْدِي، وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ،

و پایداری در نعمت‌هایم و تندرستی جسم

وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ، وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ،

و توانمندی بدن و سلامت دین

وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ

و مرا همیشه به طاعتت و طاعت رسالت محمد -درود خدا بر او-

عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي،

به کار گمار، تا هنگامی که عمرم داده‌ای

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيْبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ

و مرا از پرنصیب‌ترین بندگانت نزد خود قرار ده

أَنْزَلْتَهُ وَتَنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا

در هر خیری که فروفرستادی و در شب قدر رمضان نازل می‌کنی

أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا،

و هر سال نازل می‌کنی، از رحمتی که می‌گسترانی

وَعَافِيَةٍ تُبْلِسُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا،

و عافیتی که می پوشانی، و بلایی که دفع می کنی

وَحَسَنَاتٍ تَقْبَلُهَا، وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا.

و خوبی هایی که می پذیری، و بدی هایی که درمی گذری

وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ

و زیارت خانهات را در این سال و هر سال نصیبم فرما

عَامٍ، وَأَرْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ،

و از احسان گستردهات روزی فراخ ارزانیام کن

وَأَصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ

و بدی ها را، ای آقای من، از من برگردان و بدهیام را بپرداز

وَالظُّلَامَاتِ حَتَّى لَا أَتَذَى بِشَيْءٍ مِنْهُ،

و ستم های بر عهدهام را جبران کن تا آزار نبینم

وَحُذِّ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَأَبْصَارِ أَعْدَائِي وَحُسَادِي وَالْبَاغِينَ

و گوش‌ها و دیدگان دشمنان و حسودان و متجاوزان بر من را از من بگیر

عَلَيَّ، وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ،

و مرا بر آنان پیروز کن

وَأَقْرِ عَيْنِي وَحَقِّقْ ظَنِّي وَفَرِّحْ قَلْبِي،

و چشمم را روشن فرما و دلم را شادی بخش

وَأَجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا،

و برایم از اندوهم گشایش و برون‌رفت قرار ده

وَأَجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي،

و هرکه از مخلوقات قصد بدی‌ام کرده، زیر گامم قرار ده

وَأَكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ، وَشَرَّ السُّلْطَانِ، وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي،

و از گزند شیطان و پادشاه و بدی‌های کردارم بازدار

وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا،

و از همه گناهان پاکم کن

وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بَعْفُوكَ،

و به گذشتت از آتش امانم ده

وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ،

و به رحمتت به بهشت واردم کن

وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ،

و به احسانت از حورالعین همسرم گردان

وَالْحَقْنِي بِأَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ

و مرا به دوستان شایسته‌ات، محمد و خاندانش،

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ،

آن خوبان و نیکان پاکیزه ملحق کن



صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ وَرَحْمَةً

درود بر آنان و بر بدن‌ها و جان‌هایشان

اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ.

و رحمت خدا و برکاتش بر ایشان

إِلَهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَيْسَ طَالِبَتِي بِذُنُوبِي

خدایا و آقای من، به عزّت و جلالت سوگند، اگر مرا به گناهانم پی‌جویی کنی

لَا طَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ،

من تو را به عفو تو پی‌جویی می‌کنم

وَلَيْسَ طَالِبَتِي بِلُؤْمِي لَا طَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ،

و اگر به پستی‌ام تعقیب کنی، من تو را به کرم‌ت تعقیب می‌کنم

وَلَيْسَ أَدْخَلَتِي النَّارَ لِأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي

و اگر به دوزخم دراندازی، اهل دوزخ را از محبتم به تو

لَکَ.

آگاه می‌سازم

إِلَهِی وَسِیدی إِنْ کُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِیَائِکَ

معبودم و آقا، اگر جز اولیا و اهل طاعت را نیامرزی

وَأَهْلِ طَاعَتِکَ فَإِلَى مَنْ یَفْزَعُ الْمُنْبُونُ؟ وَإِنْ کُنْتَ لَا

گناه‌کاران به چه کسی پناه برند؟ و اگر جز اهل وفا را گرامی نداری

تُکْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِکَ فَبِمَنْ یَسْتَغِثُ الْمُسِئُونَ؟

بدکاران از چه کسی فریادرسی خواهند؟

إِلَهِی إِنْ أَدْخَلْتَنِی النَّارَ فِی ذَٰلِکَ سُرُورٌ عَدُوَّکَ،

خدایا! اگر مرا وارد دوزخ کنی، این خرسندی دشمن توست

وَإِنْ أَدْخَلْتَنِی الْجَنَّةَ فِی ذَٰلِکَ سُرُورٌ نَّبِیکَ،

و اگر به بهشت وارد کنی، این خوشحالی پیامبر توست

وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ

و من به خدا سوگند می‌دانم که دلشادی پیامبرت نزد تو

سُرُورِ عَدُوِّكَ.

از خرسندی دشمنت محبوب‌تر است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ،

خدایا! از تو می‌خواهم که دلم را از محبتت پر کنی

وَخَشْيَةً مِنْكَ، وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ، وَإِيمَانًا بِكَ،

و ترس از تو، و باور به کتابت، و ایمان به تو

وَفَرَقًا مِنْكَ، وَشَوْقًا إِلَيْكَ،

و هراس از تو، و اشتیاق به تو

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِّ إِلَى لِقَاءِكَ،

ای دارای بزرگی و رأفت، لقاییت را محبوبم کن

وَأَحِبُّ لِقَائِي،

و لقای مرا محبوب خود ساز

وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَرَامَةَ.

و در لقای آرامش و گشایش و کرامت برایم قرار ده

اللَّهُمَّ الْحَقْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى،

خدایا! مرا به شایستگان گذشته ملحق ساز

وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ وَخُذْنِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ،

و از شایستگان آینده قرار ده و بر راه شایستگان نگاهدار

وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى

و بر مخالفت با نفسم یاری ده، چنانکه شایستگان را یاری می‌دهی

أَنْفُسِهِمْ، وَاخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ،

بر خواسته‌های نفسانی‌شان؛ و کردارم را به نیکوترین وجه پایان ده

وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ،

و پاداشم را از آن، بهشت به رحمتت قرار ده

وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ مَا أُعْطَيْتَنِي،

و بر شایستگی آنچه عطا کردی یاری ام کن

وَيْبَسْتَنِي يَا رَبِّ وَلَا تُرِدْنِي فِي سُوءِ اسْتَنْقَذْتَنِي مِنْهُ

و ثابت قدمم کن، پروردگارا، و به بدی‌هایی که از آن نجاتم دادی بازم مگردان

يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ،

خدایا! ایمانی می‌خواهم که پایانی جز لقایت نداشته باشد

أَحْيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ،

تا زنده‌ام می‌داری، بر آن پایدارم بدار

وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ،

و آنگاه که می میرانی، بر آن بمیران

وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ،

و آنگاه که برمی انگیزی، بر آن برانگیز

وَأَبْرِئْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ

و دلم را از ریا و شک و شهرت خواهی در دینت پاک کن

حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ.

تا عملم برای تو خالص باشد

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ، وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ،

خدایا! تیزبینی در دینت و فهم در فرمانت را به من عطا کن

وَفِقْهَا فِي عِلْمِكَ، وَكَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ،

و آگاهی در علمت و دو نصیب از رحمتت

وَوَرَعًا يَحْجُزُنِي عَنْ مَعَاصِيكَ، وَيِيَّضَ وَجْهِي بُنُورِكَ،

و پرهیزی که از نافرمانی‌ات بازم دارد؛ و رخسارم را به نورت سپید کن

وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ،

و رغبتم را در آنچه نزد توست قرار ده

وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ

و در راه خود و بر آیین پیامبرت

عَلَيْهِ وَآلِهِ.

درود خدا بر او و خاندانش، بمیران

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَشَلِ وَالْهَمِّ

خدایا! به تو پناه می‌برم از کسالت و سرافکندگی و اندوه

وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ وَالْمَسْكَنَةِ

و ترس و بخل و بی‌خبری و سنگدلی و ناداری

وَالْفَقْرَ وَالْفَاقَةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ

و تهیدستی و بیچارگی و هر بلا و زشتی آشکار

مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ،

و پنهان؛ و پناه می‌برم از نفسی که قانع نمی‌شود

وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ،

و شکمی که سیر نمی‌شود، و قلبی که فروتنی نمی‌کند، و دعایی که اجابت نمی‌شود

وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ،

و کرداری که سود نمی‌بخشد

وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ

و پروردگارا، برای جان و دین و مال و آنچه نصیبم فرمودی

مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ،

از شیطان رانده‌شده به تو پناه می‌برم

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

همانا تو شنوا و دانایی

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ،

خدایا! جز تو احدی مرا پناه نمی‌دهد

وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً،

و جز تو پناهگاهی نمی‌یابم

فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ،

پس هستی‌ام را در عذابت قرار نده

وَلَا تُرِدِّنِي بِهَلَكَةٍ، وَلَا تُرِدِّنِي بِعَذَابٍ أَلِيمٍ.

و به هلاکت یا عذاب دردناک بازگردان

اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي، وَأَعْلِ ذِكْرِي، وَارْفَعْ دَرَجَتِي،

خدایا! از من بپذیر و نامم را پرآوازه کن و درجه‌ام را بالا ببر

وَحُطَّ وَزْرِي، وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي،

و بار گناهم را بریز و به اشتباهم یادم مکن

وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي، وَثَوَابَ مَنْطِقِي،

و پاداش نشستتم و گفتارم را

وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ،

و پاداش دعایم را خشنودی و بهشتت قرار ده

وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي

پروردگارا، همه آنچه خواستم به من عطا فرما و از احسانت بیفزا

إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

که من مشتاق توأم، ای پروردگار جهانیان

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا

خدایا! تو در کتابت فرمودی که از ستمکار به ما درگذریم

وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ

و ما بر خود ستم کردیم، پس از ما درگذر که تو به آن

مِنَّا،

شایسته‌تری

وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نُرَدَّ سَائِلًا عَنْ أَبْوَابِنَا وَقَدْ جِئْتُكَ

و فرمودی نیازمندی را از درمان‌هایمان خالی برنگردانیم

سَائِلًا فَلَا تُرَدِّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي،

و من اکنون خواهان به درگاهت آمدم، پس جز با روا کردن حاجتم بازم مگردان

وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا وَنَحْنُ

و به نیکی دربارهٔ بردگانمان امر فرمودی، و ما بردگان تویم

أَرْقَاؤُكَ فَأَعْتَقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ،

پس ما را از آتش برهان

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي، وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي،

ای پناهگاهم به وقت غم، ای فریادرسم به هنگام سختی

إِلَيْكَ فَرَعْتُ، وَبِكَ اسْتَعَثْتُ وَلَذْتُ، لَا أُلْذُ بِسِوَاكَ،

به تو پناه آوردم و از تو فریادرسی خواستم، جز به تو پناه نمی‌برم

وَلَا أَطْلُبُ الْفَرَجَ إِلَّا مِنْكَ،

و جز از تو گشایش نمی‌خواهم

فَأَغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يُفَكُّ الْأَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ

پس به فریادم رس و گشایشم ده، ای که اسیر را آزاد می‌کنی

الْكَثِيرِ، أَقْبِلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ،

و از گناه فراوان می‌گذری، عمل اندکم را بپذیر و از گناه بسیارم درگذر

إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ.

همانا تو مهربان و آمرزنده‌ای

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيْمَانًا تُبَاشِّرُ بِهِ قَلْبِي،

خدایا! ایمانی می‌خواهم که دلم آن را لمس کند

وَبَقِيْنًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي إِلَّا مَا

و باور صادقانه‌ای که بدانم هرگز چیزی جز آنچه

كَتَبْتَ لِي، وَرَضِيْنِي مِنَ الْعِيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي،

برایم مقدر کردی به من نمی‌رسد، و مرا به آنچه نصیبم کردی خشنود بدار

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

ای مهربان‌ترین مهربانان



وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ

و هرگاه بندگانم دربارهٔ من از تو بپرسند، بگو من نزدیکم؛ دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم.

سورة بقره، آیه ۱۸۶

خوانندگان گرامی

از همه عزیزانی که این صفحات را می‌خوانند صمیمانه التماس دعا داریم.
خوانندگان را در دعاهای خیر خود شریک و سهیم بدانید.

انتقاد، پیشنهاد و اصلاح

در صورت مشاهده اشکال در متن یا ترجمه، بازخورد شما را خوشحال می‌شویم دریافت کنیم.



hosseinieh-kashanifarid.ir



hosseinieh-kashanifarid.ir